# دیپ‌فیک یا همانندسازی صوتی یا تصویری غیرواقعی در حقوق کیفری

(مقاله علمی-پژوهشی)

**عباس شیری***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵

## چکیده

*دیپ‌فیک یا همانندسازی صوتی- تصویری غیرواقعی، یک فناوری پیچیدهٔ نوین در قلمروی هوش مصنوعی است. این فناوری می‌تواند با استفاده از صدا و تصویر واقعی افراد یک کلیپ (نماآهنگ ـ نماتصویر) غیرواقعی از آنها تولید نماید؛ به‌گونه‌ای که امکان تشخیص آن از صدا و تصویر واقعی، سخت و حتّی غیرممکن است. ساخت دیپ‌فیک درمورد سلبریتی‌ها، مقامات سیاسی و عادی گسترش یافته است؛ زیرا می‌تواند مخاطبان را متقاعد سازد که این کلیپ‌های صوتی و تصویری واقعی هستند. دیپ‌فیک‌ها، مرز واقعیت با دروغ و خلاف واقع را از بین می‌برد؛ زیرا باورپذیری بالایی در مخاطبان ایجاد می‌کند. همهٔ مصادیق دیپ‌فیک، واجد جنبهٔ کیفری نیست. بلکه کاربردهای مشروع فراوانی، به‌ویژه در بازی‌های اینترنتی، فیلم‌های سینمایی، تبلیغات، آموزش و غیره دارد. ولی تأثیر و کاربرد وسیع و پیچیدگی این فناوری در مخدوش ساختن مرز حقیقت و دروغ موجب گردید، در قلمروی بزهکاری نیز با اهداف سیاسی، گمراه‌کنندگی عمومی، نژادی و تجاری، مورد استفاده قرار گیرد.*

*مصادیق بزهکارانه دیپ‌فیک تاکنون جرم‌انگاری نگردیده است. امکان تطبیق جرایم جعل رایانه‌ای، تولید محتوای مبتذل، مستهجن و هرزه‌نگاری، افترا و نشر اکاذیب با دیپ‌فیک در این مقاله بررسی می‌شود.*

## کلید واژگان:

*افترا، تصاویر مبتذل، جعل رایانه‌ای، جعل عمیق، خبر دروغین، دیپ‌فیک، مستهجن، نشر اکاذیب، هرزه‌نگاری، هوش مصنوعی.*

---

* دانشیار، دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

ashiri@ut.ac.ir / dr.a.shiri@gmail.com

## مقدّمه

فناوری پیچیدهٔ دیپ‌فیک،[1] با بهره‌گیری از هوش مصنوعی در قلمروی صدا و تصویر به‌کار گرفته می‌شود. هوش مصنوعی، علی‌رغم تأثیرات شگرف در زندگی بشری، تهدیدی جدّی علیه امنیّت شخصی و حقوق آحاد شهروندان و مقامات رسمی است. به همین دلیل، پژوهشگران علوم جنایی، بحث دربارهٔ جرایم مرتبط با هوش مصنوعی را مورد توجّه قرار داده‌اند. در فرهنگ وبستر[2] دربارهٔ کلمهٔ DeepFake آمده است: «تصویر یا ضبطی که به‌طور قانع‌کننده‌ای تغییر یافته و دستکاری شده است تا کسی را به‌اشتباه نشان دهد که در حال انجام یا گفتن کاری است که در واقع انجام نشده یا گفته نشده است».[3]

پیچیدگی نحوهٔ ارتکاب جرایم مرتبط با هوش مصنوعی و ضریب هوشی بالای مرتکبان آن، امکان شناسایی و تعقیب و متعاقباً مجازات بزهکاران این‌گونه جرایم را دشوار ساخته است.

با استفاده از فناوری هوش مصنوعی دیپ‌فیک، می‌توان حقیقت را وارونه و تحریف کرد. به همین دلیل از نظر محتوایی شبیه به جرم جعل و تزویر است. دیپ‌فیک در تولید و پخش اخبار جعلی نیز مورداستفاده قرار می‌گیرد. از این نظر به جرم افترا و نشر اکاذیب شبیه می‌شود. همچنین این فناوری به‌طور گسترده‌ای در تولید و پخش فیلم‌های منافی عفت عمومی، تصاویر

---

۱. دیپ‌فیک، مرکب از دو واژهٔ (Deep) یعنی ژرف، عمیق، عمقی یا Deep learning به معنای یادگیری عمیق و (fake) به معنای غیرواقعی، وارونه، دروغین، تقلّبی و جعلی است. واژهٔ Deep در مقابل واژهٔ shallow به معنای کم‌عمق و سطحی به کار گرفته شده است تا نشان دهد، دیپ‌فیک‌ها را به‌سادگی نمی‌توان از سایر تصاویر غیرواقعی تشخیص داد. سایر تصاویر غیرواقعی که از فناوری هوش مصنوعی استفاده نمی‌کنند، به‌راحتی قابل‌تشخیص از تصاویر واقعی هستند، لذا به آنها فیک‌های سطحی یا ارزان (cheep fakes) گفته می‌شود. معادل فارسی دقیقی برای دیپ‌فیک نمی‌توان در نظر گرفت. نزدیک‌ترین معادل برای آن، همانندسازی صوتی ـ تصویری غیرواقعی است. معادل‌های «جعل عمیق» یا «جعل عمقی» با توجّه به مقرّرات قانونی مربوط به جعل در ایران، با مفهوم دیپ‌فیک سازگاری ندارد و نمی‌توان آن را معادل دقیقی دانست. مگر اینکه در اصلاحات قانونی، با توجّه به محتوای دیپ‌فیک، آن را در حکم جعل فرض نمود و جرم‌انگاری کرد. برای آشنایی با تعریف جعل در حقوق ایران، رک: شیری، عباس: ***جعل و تزویر***، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۴۰۱، ص ۱۴.

2.Webster

3. an image or recording that has been convincingly altered and manipulated to misrepresent someone as doing or saying something that was not actually done or said.

در فرهنگ وستر در ادامهٔ واژهٔ DeepFake آمده است: دو هنرمند و یک شرکت تبلیغاتی یک دیپ‌فیک از مارک زاکربرگ (Mark Zuckerberg)، بنیان‌گذار فیس بوک، چیزهایی را که هرگز نگفته بود، ایجاد کردند و آن را در اینستاگرام آپلود کردند.

مستهجن، به‌ویژه هرزه‌نگاری کودکان، مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این نظر احتمال انطباق با مواد ۷۴۲ و ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۸۸ موسوم به قانون جرایم رایانه‌ای)[1] دارد.

در این مقاله بنا داریم، نخست ابتدا عناصر تشکیل‌دهندهٔ دیپ‌فیک و سپس گونه‌هایِ دیپ‌فیک بزهکارانه را بررسی کنیم و در بند سه، سایر رفتارهای مجرمانه نزدیک یا مجاور با دیپ‌فیک مانند نگهداری و انتشار و در پایان چالش‌های دیپ‌فیک مجرمانه را مطالعه کنیم.

## ۱. عناصر تشکیل دهندهٔ دیپ‌فیک

دیپ‌فیک، دارای عناصر خاصی است که آن را از سایر فعالیّت‌های رایانه‌ای متمایز می‌نماید. دستِ‌کم سه ویژگی اصلی در دیپ‌فیک عبارت‌اند از: نرم‌افزار مبتنی بر فناوری هوش مصنوعی، وجود صوت یا تصویر واقعی تولید صوت و فیلم با استفاده از صوت و فیلم‌های واقعی موجود.

### ۱.۱. نرم‌افزاری مبنی بر فناوری هوش مصنوعی[2]

در پاسخ به این پرسش که دیپ‌فیک چیست، می‌توان گفت نرم‌افزاری است که با بهره‌گیری از فناوری هوش مصنوعی این امکان را به کاربر می‌دهد تا از صوت و تصاویر واقعی، صدا و تصاویری غیرواقعی بسازد. صرف ساختن این‌گونه نرم‌افزارها را نمی‌توان به‌عنوان جرم مطلق، جرم‌انگاری کرد. اپلیکیشن‌ها یا برنامه‌های شبکه اجتماعی، مانند واتس‌آپ، تلگرام، فیس‌بوک و هر اپلیکیشن یا نرم‌افزار دیگری، یک ابزار در فضای مجازی و رایانه‌هاست که قابلیّت بهره‌برداری مشروع و نامشروع دارد. از این نرم‌افزارها، بهره‌برداری‌های قانونی، مانند تبلیغات،

---

۱. قانون جرایم رایانه‌ای، مشتمل بر ۵۶ ماده و ۲۵ تبصره، در تاریخ ۱۳۸۸/۳/۵ به تصویب رسید. به موجب مادهٔ ۵۵ قانون یاد شده، مواد ۱ تا ۵۴ این قانون، به عنوان مواد ۷۲۹ تا ۷۸۲ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) با عنوان فصل سی‌ام جرایم رایانه‌ای الحاق گردید.

۲. «هوش مصنوعی مجموعه‌ای از فناوری‌های مختلف است و به دستگاه‌ها، نرم‌افزارها و سیستم‌هایی اشاره دارد که تقریباً مانند بشر توانایی یادگیری و تصمیم‌گیری دارد. هوش مصنوعی به ماشین‌ها، دستگاه‌ها، نرم‌افزارها، سیستم‌ها و خدمات اجازه می‌دهد که مطابق وظیفه و وضعیّت موجود به روش معقولی عمل کنند.» یا «هوش مصنوعی به سیستم‌هایی گفته می‌شود که می‌تواند واکنش‌هایی مشابه رفتارهای هوشمند انسانی از جمله درک شرایط پیچیده، شبیه‌سازی فرایندهای تفکری و شیوهای استدلالی انسانی و پاسخ موفق به آنها، یادگیری و توانایی کسب دانش و استدلال برای حل مسائل را داشته باشند. به تعبیری، هوش مصنوعی به هوشی که یک ماشین در شرایط مختلف از خود نشان می‌دهد، گفته می‌شود.» به نقل از: ابوذری، مهرنوش، ***حقوق و هوش مصنوعی***، نشر میزان، چاپ اوّل، ۱۴۰۰، صص ۱۲ و ۱۳.

سرگرمی، هنری، آموزشی و پژوهشی صورت می‌پذیرد. ممکن است در این اپلیکیشن‌ها و برنامه‌ها محتوای بزهکارانه قرار داده شود. در این صورت، مسئولیّت متوجّه تولیدکنندهٔ این‌گونه نرم‌افزارها یا مدیران شرکت‌های مربوطه نیست؛ چون این نرم‌افزارها دارای قابلیّت‌های گوناگون برای ارتباطات اجتماعی است که ظرفیت استفاده برای اهداف بزهکارانه را نیز دارا است. حداقل در چارچوب قوانین موجود، نمی‌توان عنوان یا ماده‌ای را برای تولید نرم‌افزارهای دیپ‌فیک در قوانین کیفری پیدا کرد.

تاکنون نرم‌افزارهای متعددی متناسب برای سامانه‌های عامل IOS و ویندوز به منظور آموزش و پژوهش ساخته شده است که می‌توان از برنامه‌های جیگی[1] برای رقصیدن، آثار هنری عمیق،[2] برای خلق جلوه‌های ویژه سینمایی، برنامهٔ ری‌فیس[3] برای میکس صورت در گیف‌های مختلف ساخته‌شده و نرم‌افزارهای مشابه دیگر نام برد. هرکدام از این برنامه‌ها و نرم‌افزارها، کاربردهای متفاوتی دارند که کاربر به منظور تفریح، سرگرمی، آموزش، تحقیقات یا اهداف بزهکارانه می‌تواند از آنها استفاده کند.

### ۱.۲. وجود قبلی صدا یا تصویر واقعی

داده‌های موردنیاز در فناوری دیپ‌فیک، وجود قبلی صدا یا تصویر واقعی افراد است. از هر شخص معمولاً صدا یا تصاویری وجود دارد که توسط خودش یا دیگران ضبط شده‌اند. برخی افراد مانند سلبریتی‌ها، (افراد مرجعِ هنری، ورزشی، سیاسی) شخصیت‌های سیاسی، ورزشکاران و نظایر آنها، دارای صدا و تصاویر زیادی هستند که در فضای مجازی یا رسانه‌های جمعی منتشر شده است. با استفاده از این داده‌ها، فناوری هوش مصنوعی، می‌توان، ویدئوهای جدیدی تولید کرد.

نرم‌افزارهای دیپ‌فیک، امکان جوان‌سازی یا پیرسازی چهره‌ها را به کاربر می‌دهد. لذا می‌توان یک سریال را که به علت فوت هنرپیشهٔ اصلی، نیمه‌کاره مانده است، با استفاده از دیپ‌فیک تکمیل کرد یا فیلم‌های هرزه‌نگارانه از همان تصاویر واقعی قبلی ساخت.

به همین دلیل، آموزش‌های لازم برای مردم، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، در این باره ضروری است که تا حد امکان از به‌اشتراک‌گذاشتن ویدئوهای خود در شبکه‌های اجتماعی خودداری کنند.

1. Jiggy
2. Deep Art Effects
3. Reface

به‌ویژه تصاویری که بدن به صورت کامل برهنه یا نیمه‌برهنه است. حتی نگهداری این‌گونه تصاویر و ذخیره‌سازی آن در گوشی هوشمند یا رایانه‌های شخصی نیز خطرناک است؛ چون امکان دسترسی غیرمجاز توسط دیگران همواره وجود دارد. در این صورت، با استفاده از برنامه‌ها و نرم‌افزارهای گوناگون دیپ‌فیک، امکان تولید فیلم‌های مبتذل و مستهجن از تصاویر مذکور وجود دارد. بدون وجود صوت یا تصویر واقعی، امکان فیلم جدید با استفاده از دیپ‌فیک وجود ندارد.

### ۱.۳. اثر نهایی تولید شده

جزء سوم ضروری برای تحقق دیپ‌فیک، تولید و ساختن غیرواقعی اثری، به وسیلهٔ نرم‌افزارهای مخصوص دیپ‌فیک از صدا و تصویر واقعی افراد است. محتوای ساخته‌شده غیرواقعی است؛ یعنی صدا یا تصویری که مشاهده می‌شود، هرگز از ناحیهٔ فرد صاحب آن صدا یا تصویر انجام نشده است. یعنی صدا و تصویر واقعی قبلی در صدا و تصویر ساخته‌شده جایگزین شده است که اثر نهایی نامیده می‌شود. در این مرحله امکان جرم‌انگاری رفتار مرتکبان تولید اثر نهایی و محتوای ساخته‌شده وجود دارد.

صرف ساختن محتوای خاص مانند محتوای مبتذل، مستهجن و هرزه‌نگارانه، در مواردی جرم مطلق دانسته شده است و در مواردی هم خلأهای قانونی دربارهٔ جرم‌انگاری آنها به‌عنوان جرم مطلق وجود دارد، مانند تولید اخبار دروغ[1] که در بندهای بعدی بررسی می‌شود.

## ۲. گونه‌های دیپ‌فیک بزهکارانه

توانایی دیپ‌فیک در تولید و ساختن فیلم غیرواقعی، موجب شده است که برای طرح‌ها و اهداف بزهکارانه نیز مورد استفاده قرار گیرد. تاکنون جرایم مرتبط با دیپ‌فیک شناسایی و توسط قانون‌گذاران مستقلاً جرم‌انگاری نشده است. حقوق‌دانان تلاش کرده‌اند که دیپ‌فیک‌های بزهکارانه را از مصادیق برخی جرایم رایانه‌ای معرفی کنند. در بندهای بعدی گونه‌های جرایم در فضای واقعی و رایانه‌ای با دیپ‌فیک‌های مرتبط مقایسه و تحلیل می‌گردد.[2]

1. fake news

۲. «... هیچ قانونی دیپ‌فیک‌ها را وضع نمی‌کنند، اگرچه برخی از کارشناسان حقوقی وقتی توصیه کرده‌اند، قوانین فعلی را درمورد افترا (defamation) و کلاهبرداری هویت (identity fraud) یا جعل هویت (impersonating) یک مقام دولتی تطبیق دهد. اما نگرانی‌هایی مربوط مقرّرات بیش از حدّ وجود دارد. (webster-Dictionary)

### ۲.۱. تولید دیپ‌فیک جنسی

یکی از نمونه‌های فراوان دیپ‌فیک، تولید و ساختن تصاویر جنسی افراد با استفاده از این فناوری به‌طور غیرقانونی است. این تصاویر، به قصد رسواکردن افراد برای اهداف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا انتقام‌جویی‌های شخصی یا ترویج و اشاعهٔ فساد و فحشا، انجام می‌شود که دیپ‌فیک هرزه‌نگارانه[1] نامیده می‌شود. یکی از نمونه‌های رایج این نوع دیپ‌فیک، تصاویری است که به قصد انتقام‌جویی‌های شخصی ساخته می‌شود که دیپ‌فیک انتقامی یا انتقام جویانه[2] نامیده می‌شود. در این نوع از دیپ‌فیک‌ها، حقوق بزه‌دیدگان نیز مورد بحث قرار می‌گیرد که چگونه آنان می‌توانند با توجّه به خلأهای قانونی برای احقاق حقوق خویش اقدام نمایند. به‌ویژه در زمانی که قانون‌گذار احراز شرایط خاصی را در عناصر مادی یا معنوی جرم لازم دانسته است.

این گونه دیپ‌فیک‌ها بر سه مورد در حقوق ایران، ممکن است منطبق گردد: مبتذل، مستهجن و هرزه‌نگاری.

#### ۲.۱.۱. محتوای مبتذل

در بند «ح» مادهٔ یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (مصوّب ۱۳۹۹/۲/۲۳)، این واژه بدین شرح تعریف شده است. « هر گونه محتوا یا تصاویری که دارای صحنه یا صور قبیحه[3] باشد.» در تبصرهٔ یک مادهٔ ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۸۸) شبیه همین تعریف ذکر شده است: « محتویات و آثار مبتذل به آثاری اطلاق می‌گردد که دارای صحنه و صور قبیحه باشد.» در تبصرهٔ ۴ همین ماده فقط محتویات مستهجن را شامل واقعی یا غیرواقعی دانسته است. از مقایسه دو تبصره و رعایت اصل تفسیر مضیّق قوانین کیفری، می‌توان نتیجه گرفت که مبتذل فقط شامل محتویات واقعی است و شامل محتویات غیرواقعی مانند کارتون، انیمیشن یا ساختگی نمی‌شود و بدین ترتیب شامل دیپ‌فیک با محتوای مبتذل نمی‌گردد.[4] مفهوم اصطلاح

1. DeepFake Porn
2. Revenge porn
۳. «مهم‌ترین ایرادی که به این تعریف وارد است، استفاده از عبارت مبهم «صور قبیحه» است؛ به ویژه هنگامی که در کنار تعریف « آثار مستهجن» قرار می‌گیرد، دارای مفهومی نامأنوس می‌شود.» (حبیب‌زاده، محمدجعفر و حامد رحمانیان، مجلهٔ حقوقی دادگستری، زمستان ۱۳۹۰، شمارهٔ ۷۶، ص ۹۲).
۴. « به رغم آنکه در تعریف مستهجن، در همین قانون به صوت و متن و محتویات غیرواقعی اشاره شده، صوت و نوشته در تعریف مبتذل، راه نیافته و شامل محتویات و آثار غیر واقعی نگردیده است. (بابایی، جواد، ***جرایم رایانه‌ای و آیین دادرسی حاکم بر آن***، مرکز مطبوعات و انتشارات قوهٔ قضاییه، چاپ دوم، ۱۳۹۷، ص ۱۵۴).

صحنه یا صور قبیحه از نظر قانونی روشن نیست. ولی عرفاً منظور از این دو واژه، عکس‌ها یا تصاویری است که اندام زن یا مرد را به صورت برهنه یا نیمه‌برهنه به نمایش می‌گذارد، حتّی اگر در حین رابطهٔ جنسی نباشد.

### ۲.۱.۲. محتوای مستهجن

در بند «خ» مادهٔ یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (مصوّب ۱۳۹۹/۲/۲۳) واژهٔ مستهجن بدین شرح تعریف شده است: «هر گونه محتوا اعم از صوتی یا تصویری که به صورت واقعی یا غیرواقعی بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد، آمیزش عمل جنسی یا اندام جنسی انسان است.» در این بند، از واژه‌های واقعی یا غیرواقعی استفاده شده است که تا حدود زیادی می‌تواند خلأ قانونی مربوط به دیپ‌فیک‌های جنسی در حقوق ایران را پر نماید. بند ۴ مادهٔ ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۸۸) نیز شبیه همین عبارات را در تعریف محتویات مستهجن بدین شرح آورده است: «محتویات مستهجن به تصویر، صوت، متن واقعی یا غیرواقعی یا متنی اطلاق می‌شود که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی با آمیزش یا عمل جنسی انسان است.» در این بند نیز عبارت: «واقعی یا غیرواقعی» به کار رفته است که می‌تواند بر دیپ‌فیک حاوی صوت یا تصاویر مستهجن منطبق گردد؛ زیرا مادهٔ قانونی مذکور محتویات مستهجن را شامل صوت یا تصویر غیرواقعی دانسته است، عنصر مادی جرم مذکور، با استفاده از فناوری دیپ‌فیک محقق می‌شود.

### رأی دادگاه

«همگام با پیشرفت‌های فناوری اخیر در زمینهٔ ارتباطات و به‌رغم تلاش‌های تقنینی، صنعت تصاویر مستهجن کودکان، سریع‌تر از دورهٔ بعد از اختراع نشریات چاپی و دوربین رشد کرده است».[1] وب‌سایت‌های عرضه‌کنندهٔ تصاویر جنسی کودکان، به‌شدت رو به افزایش است و آمار دقیقی دربارهٔ تعداد آن وجود ندارد.

---

۱. زیگفراید، اسپلار، لاولی کاترین، ریچارد و مارکوس راجرز، ***استفاده کنندگان خود ـ اظهارگر از تصاویر مستهجن کودکان در اینترنت*** (ارزیابی شخصیّت با استفاده از نظریّهٔ باندورا در مورد جبریّت متقابل)، ترجمهٔ حمیدرضا ملک محمدی، مندرج در کتاب: جرم‌شناسی فضای مجازی، کشف جرایم اینترنتی و رفتار مجرمانه، نشر میزان، چاپ اوّل، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵.

### ۲.۱.۳. هرزه‌نگاری[1]

در بند «خ» ماده یک قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (مصوّب ۱۳۹۹)، اصطلاح هرزه‌نگاری بدین شرح تعریف شده است: «تهیّه و تولید هر اثری که محتوای آن بیانگر جذابیّت جنسی طفل یا نوجوان مانند برهنگی، آمیزش، عمل جنسی یا اندام جنسی باشد».

تعریف ارائه‌شده برای هرزه‌نگاری در پروتکل اختیاری حقوق کودک دربارهٔ خرید و فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان،[2] جامع‌تر از بند «خ» مادهٔ یک قانون اطفال و نوجوانان (مصوّب ۱۳۹۹) است. بند C مادهٔ ۲ پروتکل مذکور[3] اختصاص به هرزه‌نگاری کودکان دارد.

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک درخصوص فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان (مصوّب ۱۳۷۹/۴/۲) برابر با ۲۵ می ۲۰۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل، مصوّب ۱۳۸۶/۵/۹، عبارات کنوانسیون را تا حدودی تغییر داد.

در بند «ت» مادهٔ ۲ قانون یادشده آمده است: «هرزه‌نگاری کودک به هرگونه نمایش کودک درگیر در فعالیت‌های واقعی یا مشابه‌سازی‌شدهٔ آشکار جنسی، با هر وسیله یا هرگونه نمایش اندام جنسی کودک برای اهداف عمدتاً جنسی اطلاق می‌شود».

---

1. Pornography.

2. OPTIONAL PROTOCOL TO THE CONVENTION ON THE RIGHTS OF THE CHILD ON THE SALE OF CHILDREN, CHILD PROSTITUTION AND CHILD PORNOGRAPHY.

پروتکل اختیاری پیمان حقوق کودک دربارهٔ خرید و فروش، فحشا و هرزه‌نگاری کودکان مصوّب ۲۵ می ۲۰۰۰ میلادی و لازم‌الاجراء از تاریخ ۱۸ ژانویه ۲۰۰۲، مشتمل بر ۱۷ ماده می‌باشد. در مقدّمهٔ این پروتکل آمده است: «نگران افزایش دسترسی به هرزه‌نگاری کودکان در اینترنت و سایر فناوری‌های نوین هستند و کنفرانس بین‌المللی مبارزه با هرزه‌نگاری کودکان در اینترنت که در سال ۱۹۹۹ در شهر وین برگزار شد، به‌خصوص توافق این کنفرانس درمورد جرم‌انگاری تولید، توزیع، صادرات، مخابره، واردات، تملک ارادی و تبلیغ هرزه‌نگاری کودکان در سطح بین‌المللی را فرامی‌خواند و بر اهمیّت همکاری نزدیک‌تر مابین دولت‌ها و صنعت اینترنت تأکید می‌نمایند ...».

۳. متن فارسی این پروتکل به اهتمام صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف) در ایران و مرجع ملّی پیمان‌نامه حقوق کودک «وزارت دادگستری» تهیّه و در سایت Unicef.org در دسترس می‌باشد. متن مذکور با متن قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به پروتکل اختیاری، در برخی موارد مطابقت ندارد. از جمله ترجمهٔ ذکر شده برای بند c مادهٔ ۲، دقیق نیست. در بند یادشده واژهٔ انگلیسی Simulated ذکر شده است. در ترجمهٔ مندرج در سایت یونیسف، این واژه به غیرواقعی ترجمه شده است. در قانون مصوّب مجلس، این واژه به «مشابه‌سازی» ترجمه شده است. متن انگلیسی بند یادشده بدین شرح است:

(c) Child pornography means any representation, by whatever means, of a child en- gaged in real or simulated explicit sexual activities or any representation of the sexual parts of a child for primarily sexual purposes.

به قرینه "real"یعنی واقعی، در یونیسف Simulated به غیرواقعی ترجمه شده است. معادل به‌کاررفته در قانون، از واژهٔ مذکور، حداقل برای انطباق با مفهوم دیپ فیک، مناسب‌تر است.

عبارت به‌کاررفته در قانون: «... مشابه‌سازی‌شده آشکار جنسی، با هر وسیله ...» می‌تواند بر دیپ‌فیک‌های هرزه‌نگار، منطبق گردد. هرچند در زمان تصویب پروتکل اختیاری و قانون الحاق به پروتکل اختیاری مصوّب ۱۳۸۶/۵/۹، هنوز فناوری دیپ‌فیک، به صورت کنونی، وجود نداشته است. ولی عبارت مذکور اطلاق داشته و می‌تواند هر نوع وسیله‌ای را هم که تاکنون ناشناخته است، ولی بعدها ابداع گردد، شامل شود.

همچنین، پاره‌ای مواردِ مرتبط با هرزه‌نگاری و تصاویر مستهجن در حقوق ایران، از مادهٔ ۹ کنوانسیون جرایم سایبری،[1] اقتباس شده است. مادهٔ ۹ یادشده جرایم مرتبط با هرزه‌نگاری کودکان را در چهار بند بیان داشته است. در بند یک تولید[2] هرزه‌نگاری کودکان و در بندهای بعدی جرایم دیگر ذکر شده است. ولی محدودیت ایجادشده در بند ۲ مادهٔ یادشده، انطباق آن بر دیپ‌فیک را منتفی می‌سازد. در بند یادشده آمده است: «برای اهداف بند ۱ مذکور، اصطلاح هرزه‌نگاری کودک شامل موضوعات[3] است که به‌صورت بصری به تصویر کشیده می‌شود.

الف. یک شخص خردسال درگیر رفتار جنسی صریح است.

ب. شخصی که به‌نظر می‌رسد یک خردسال است که درگیر رفتارهای صریح جنسی است.

ج. تصاویر واقع‌گرایانه نشان‌دهنده یک خردسال درگیر رفتار جنسی صریح است.»

بدین‌سان، در تمامی این موارد، یک کودک یعنی فرد کمتر از ۱۸ سال (بند ۳ ماده ۹ کنوانسیون جرایم سایبری)، به‌طور واقعی درگیر رفتار جنسی شده است. بنابراین از نظر عنصر مادی دیپ‌فیک منطبق بر مورد یاد شده نیست.[4] چون یک کودک به‌طور واقعی درگیر رفتار

---

۱. کنوانسیون جرایم سایبری (Convention Cybercrime) در یکصد و نهمین اجلاس وزرای شورای اروپا در ۸ نوامبر ۲۰۰۱ میلادی، به تصویب رسید و در تاریخ ۲۳ نوامبر ۲۰۰۱ در کنفرانس بین‌المللی جرایم رایانه‌ای به وسیلهٔ سران کشورها امضا شد و از ابتدای ژوئیه ۲۰۰۴ کنوانسیون به اجرا درآمد.

این کنوانسیون به کنوانسیون جرایم سایبری بوداپست یا به اختصار کنوانسیون بوداست معروف است. غیر از کشورهای اروپایی، بسیاری از کشورها از جمله آمریکا، ژاپن، کانادا، آفریقای جنوبی به آن ملحق شده‌اند.

2. producing

3. pornographic

۴. در صدر مادهٔ ۹ کنوانسیون جرایم سایبری، ویژگی جرایم مذکور، without right یعنی بدون حقّ ذکر شده است. در گزارش توجیهی کنوانسیون مذکور، تفسیری از مواد کنوانسیون به عمل آمده که در یکصد و نهمین اجلاس وزرای شورای اروپا در ۸ نوامبر ۲۰۰۱ به تصویب رسید. در این گزارش، دربارهٔ ویژگی بدون حق یا به ناحق آمده است:

«حالت یادشده بیانگر این بینش است که رفتار توصیف‌شده همیشه قابل مجازات نیست و ممکن است نه تنها در مواردی، قانونی یا موجه بوده و اصول مرتبط با قوانین سنتی مانند توافق، دفاع مشروع یا ضرورت، دربارهٔ مرتکب ←

جنسی نمی‌شود، بلکه تصاویری غیرواقعی از کودک ساخته می‌شود. جرم دیگری در همین ارتباط در تبصرهٔ مادهٔ ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۸۸) بدین شرح پیش‌بینی شده است: «چنانچه مرتکب اعمال مذکور در این ماده را حرفهٔ خود قرار داده باشد، یا به‌طور سازمان‌یافته مرتکب شود، چنانچه مفسدفی‌الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرّر در این ماده محکوم خواهد شد».

مادهٔ ۱۰ قانون اطفال و نوجوانان مصوّب ۱۳۹۹، برای جرایم مذکور، مجازات‌هایی را در بند ۶، ۷ و ۸ در نظر گرفته است. در بند ۶ مادهٔ یادشده آمده است: « دردسترس قراردادن یا ارائهٔ محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل به طفل یا نوجوان به یک یا چند مجازات درجه هشت قانون مجازات اسلامی».

این موارد ارتباطی با دیپ‌فیک ندارد؛ زیرا ناظر به دردسترس قراردادن یا ارائهٔ محتوا یا اثر مستهجن یا مبتذل دارد. در حالی که دیپ‌فیک ناظر به تولید است و ارتباطی با توزیع و دردسترس دیگران قراردادن ندارد.

در بند ۷ مادهٔ ۱۰ قانون یادشده، جرم دیگری بدین شرح پیش‌بینی شده است: «استفاده از طفل یا نوجوان برای تهیّه، تولید، توزیع، تکثیر، نمایش، فروش و نگهداری آثار سمعی و بصری مستهجن یا مبتذل، حسب مورد به میانگین حداقل و حداکثر تا حداکثر مجازات مقرّر در قانون مربوط».

در صدر این بند آمده است: «استفاده از طفل یا نوجوان»، در حالی که در فناوری دیپ‌فیک، واقعاً کودک یا نوجوانی وجود ندارد. بلکه صرفاً از صوت و تصاویر کودک و نوجوان استفاده و اثری تولید شده است. درنتیجه عنصر مادی لازم برای مسئول‌شناختن مرتکب وجود ندارد؛ زیرا از کودک و نوجوان، به‌طور واقعی استفاده نشده است. مادهٔ ۷۴۲ و ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی

---

← قابل‌اعمال باشد، بلکه در مواردی هم اصول یا انگیزه‌های دیگر، می‌تواند منجر به زوال مسئولیّت مجرمانهٔ مرتکب شود. مفهوم اصطلاح «به ناحق» از شرایطی که در آن به کار رفته، استنباط می‌شود. بنابراین بدون اعمال محدودیتی در چگونگی به‌کارگیری مفهوم یاد شده به وسیلهٔ کشورهای عضو از این مفهوم در حقوق داخلی خود، احتمال دارد که آن مفهوم به رفتاری بدون مجور (خواه قانونی، اجرایی، قضایی، قراردادی یا توافقی) یا رفتاری که تحت پوشش دفاع قانونی، معاذیر قانونی یا علل موجه قانونی یا اصول مربوطه‌ای که در حقوق داخلی قرار نمی‌گیرد، اطلاق شود».

Explanatory Report to the Convention on Cybercrime, CONCIL OF EUROPE, European Treaty Series-No. 185.

(الحاقی ۱۳۸۸) تولید، پخش، توزیع و ... فیلم‌های پورنوگرافی و مستهجن را جرم‌انگاری نموده است که امکان تطبیق آن با دیپ‌فیک مستلزم بررسی دقیق‌تری است.

مادهٔ ۷۴۲ قانون یاد شده مقرّر می‌دارد: «هر کس به وسیلهٔ سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل داده، محتویات مستهجن را تولید، ارسال، منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد ارسال یا انتشار یا تجارت تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

تبصرهٔ ۴ مادهٔ یادشده ضمن تعریف محتویات مستهجن،[1] آن را شامل صوت یا متن واقعی دانسته است. بدین‌ترتیب، اشکال مطروحه مبنی بر اینکه عدم تحقق عنصر مادی جرم، برطرف خواهد شد. صوت و تصویر تولیدشده با استفاده از فناوری دیپ‌فیک به‌صورت غیرواقعی و دروغین است که با توجّه به تبصرهٔ یادشده، قابلیّت مجازات در حقوق کیفری ایران را دارد. تولید در مادهٔ مذکور، شبیه‌ساختن در جرم جعل است.[2]

### ۲.۲. استفاده مشروع از فناوری دیپ‌فیک‌های جنسی

فناوری دیپ‌فیک ممکن است در تولید صوت و تصاویر با محتوای برهنگی زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش و عمل جنسی انسان، برای مقاصد آموزشی، علمی و یا هر دلیل عقلایی دیگر، استفاده شود.

تبصرهٔ مادهٔ ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۸۸) بر همین اساس مقرّر می‌دارد: «مفاد این ماده و مادهٔ (۱۴) [مادهٔ ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی] شامل آن دسته از محتویاتی نخواهد شد که برای مقاصد علمی یا هر مصلحت عقلایی دیگر تهیّه یا تولید یا نگهداری یا ارائه یا توزیع یا انتشار یا معامله می‌شود». به‌عنوان نمونه، به منظور آموزش دانشجویان، ممکن است نشان‌دادن تصاویر و فیلم‌های آلت و بدن زن یا مرد ضرورت داشته باشد یا در پلیس علمی و کشف علمی جرایم، آموزش‌هایی ضرورت دارد که متضمن تولید، نگهداری و انتشار تصاویر و

۱. تبصرهٔ یادشده، صوت و تصاویر مستهجن را محدود به انسان نموده است. لذا، استفاده فناوری دیپ‌فیک که حاوی تصاویر مستهجن حیوانات با یکدیگر باشد، با خلأ قانونی در ایران روبروست.

۲. برای آشنایی با مفهوم ساختن در جرم جعل و تزویر، رک: شیری، عباس، پیشین، صص ۱۴۰ و ۱۴۱.

فیلم‌هایی با محتوای مبتذل و مستهجن است. طبق تبصرهٔ یاد شده، مفاد مواد ۷۴۲ و ۷۴۳ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۸۸) در مورد مرتکبان اعمال نخواهد شد.

## ۳. اخبار دروغ یا ساختگی[۱] یا جعلی

به دلیل پیچیدگی‌های فناوری دیپ‌فیک امکان تشخیص آن از صوت و تصویر واقعی، بسیار دشوار و حتی غیرممکن و از باورپذیری بالایی برخوردار است. به همین جهت کاربردهای وسیع دیپ‌فیک در تولید اخبار دروغ، به‌ویژه دربارهٔ جنگ، انتخابات، کالاهای تجارتی و اشخاص مشهور یا شخصیت‌های سیاسی است.[۲] با استفاده از فناوری دیپ‌فیک ویدئوکلیپ‌هایی تولید می‌شود که موجب لطمهٔ شدید به وضعیّت یک کشور، دولت، رقیب انتخاباتی و نظایر آنها می‌شود که حتّی ممکن است در مواردی موجب اغتشاشات گسترده‌ای در جامعه گردد یا حیثیت اجتماعی افراد را ملکوک کند و موجب کاهش محبوبیّت آنان شود.

مثلاً، در سال ۲۰۲۰ میلادی، در آستانه رأی‌گیری انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، خبری منتشر شد که جو بایدن اعلام می‌کند: «من برای رهبری بیش از اندازه ناتوان و بیمار هستم، لطفاً به من رأی ندهید». این ویدئو با استفاده از فناوری دیپ‌فیک ساخته شده بود. باراک اوباما، دربارهٔ این فیلم اظهار داشت: «افراد قادر به تفسیر سخن‌هایم هستند و این کار به اندازه‌ای دقیق انجام می‌شود که گویی نسخهٔ تکثیرشده، به‌واقع من هستم و آن صحبت‌ها از زبان من گفته

---

۱. «اخبار جعلی اخباری متشکل از اطلاعات جعلی و شایعات است که مغرضانه، به منظور جهت‌دادن به افکار عمومی در جهت کسب منافعی خاص، به واسطهٔ رسانه‌های فردی و ارتباط جمعی تولید و منتشر می‌شوند». سلطانی‌فرد، محمد، مریم سلیمی و سیدغلامرضا فلسفی، **اخبار جعلی و مهارت‌های مقابله با آن**، نشریهٔ رسانه، سال ۲۸، شمارهٔ ۳، ص ۴۸.

۲. در دنیا سایت‌هایی وجود دارد که با هدف راستی‌آزمایی اخبار و تشخیص اخبار دروغ تأسیس شده است. مثلاً سایت FactChek.org در آمریکا توسط والتر آننبرگ با همین هدف تأسیس شد. این سایت غیرسیاسی و غیرحزبی است و با هدف کاهش سطح فریب و سردرگمی در سیاست آمریکا فعالیت می‌کند و مدعی است که هدفش صحّت واقعی آنچه را که بازیگران اصلی سیاست ایالات متحده در قالب تبلیغات تلویزیونی، مناظره، سخنرانی، مصاحبه و انتشار اخبار بیان می‌کنند، رصد می‌کند. مثلاً خبری درخصوص نحوهٔ درمان کووید ـ۱۹ و تأثیر دارویی خاص منتشر می‌شود، این سایت، موضوع را از طریق متخصصان مربوطه پیگیری می‌کند و صحّت و سقم آن را ارزیابی می‌کند. در همین سایت، امکان دسترسی و طرح سؤال از طریق: SciCheck نیز وجود دارد. ویژگی SciCheck-FackCheck.org این است که بر ادعای علمی نادرست و گمراه کننده که توسط افراد برای تأثیرگذاری بر سیاست‌های عمومی انجام می‌شود، متمرکز است. SciCheck با کمک مالی بنیاد فرانک استانتون (Stanton Foundation) تأسیس شده است.

می‌شود، در حالی که همه چیز کاملاً ساختگی است. اگرچه به مرحله‌ای برسیم که نتوان مرز بین حقیقت و دروغ را تشخیص داد، پایه‌های دموکراسی ما که بر مبنای حقیقت نباشد، به لرزه خواهد افتاد».[۱]

مثال دیگر آن مربوط به ویدئوی نانسی پلوسی، رئیس وقت مجلس نمایندگان آمریکا و رهبر حزب دموکرات، در ۲۰۱۹ میلادی است. «بیش از سه میلیون بازدیدکننده در این فیلم، پلوسی را در حالی دیدند که دچار مشکل تکلم و عدم‌تعادل است. فیلم مذکور این گمان را در بینندگان ایجاد کرد که این عضو ارشد حزب دموکرات دارای مشکلات ذهنی است و از سلامت جسمی برخوردار نیست. علاوه‌براین، برخی مخالفان وی، به‌ویژه جمهوری‌خواهان، در آن هنگام مدعی شده‌اند، مشکل تکلم پلوسی ناشی از اعتیاد وی به مسکرات است که پس از چندی مشخص شد این ویدئو با سرعتی ۲۵ درصد کمتر از حالت عادی باز تدوین و در نتیجه دستکاری شده بود».[۲] مقابله با اخبار جعلی، دغدغهٔ مهمی در نظام‌های حقوقی مختلف است.[۳] از طرفی ملاحظات حقوق بشری،[۴] اصل آزادی بیان و گردش آزاد اطلاعات اقتضا می‌کند که به بهانهٔ راستی‌آزمایی، نتوان موانعی در نقض حقوق بنیادین انسان‌ها ایجاد نمود. از طرف دیگر، تأثیر مخرّب تولید و نشر اخبار جعلی و دروغین را نمی‌توان نادیده گرفت.

در حقوق کیفری ایران، مقررات خاص در این زمینه وجود ندارد. ولی احتمال انطباق دیپ‌فیک با محتوای اخبار دروغین، با جرایم نشر اکاذیب، افترای قذف و هتک حیثیت در حقوق ایران قابل‌بررسی است.

### ۳.۱. نشر اکاذیب

آیا دیپ‌فیک متضمن اخبار دروغین با جرم نشر اکاذیب در حقوق کیفری ایران، منطبق است؛ یعنی عنصر مادی جرم نشر اکاذیب با دیپ‌فیک متضمن اخبار دروغین محقق می‌گردد.

---

۱. به نقل از سایت: Zoomit.ir

۲. فلسفی، سید غلام‌رضا، **دیپ فیک، تیغی در کف زنگیان مست،** نشریهٔ رشد آموزش علوم اجتماعی، زمستان ۱۳۹۸، شمارهٔ ۸۲، ص ۵۶، به نقل از: http://yon.ir/dwcCo

۳. «قانون‌گذاران کشورهای مختلف از جمله در اتحادیه اروپا چندی است که مبارزه با اخبار جعلی را آغاز کرده‌اند. برای نمونه، نمایندگان پارلمان اروپا به منظور مقابله با این اخبار، خواستار برنامه‌های آموزشی جدید در مدارس اتحادیه اروپا جهت ترویج سواد رسانه‌ای شدند.» (سلطانی‌فر، محمد و دیگران، پیشین، ص ۵۷.)

۴. برای بحث دربارهٔ دیپ‌فیک‌ها و آزادی بیان، رک: ابن علی، آرش، **جرم‌انگاری دیپ فیک‌ها از منظر تعهدات حقوق بشری دولت‌ها،** فصلنامهٔ بین‌المللی تحقیقات حقوق قضایی، دورهٔ دوم بهار و تابستان ۱۴۰۰، شمارهٔ ۳، صص ۳۶۴ -۳۷۴.

قسمت اوّل مادهٔ ۷۴۶ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۸۸)[۱] درمورد انتشار اکاذیب یا دردسترس دیگران قراردادن است. در حالی که دیپ‌فیک درمورد تولید است. طبق مادهٔ یادشده تولیدکننده قابل‌مجازات نیست، چون ماده صراحتاً اعلام می‌دارد: «... اکاذیبی را منتشر نماید، یا در دسترس دیگران قرار دهد». بنابراین عنصر مادی جرم، منتشرنمودن یعنی پخش‌کردن دروغ در فضای مجازی است.

ولی در قسمت دوم مادهٔ یادشده، آمده است: «یا با همان مقاصد»؛ یعنی به قصد اضرار به غیر یا تشویق اذهان عمومی یا مقامات رسمی، «... اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل‌قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به‌طور صریح یا لوایحی نسبت دهد ...»، عنصر مادی جرم یادشده، نسبت‌دادن اعمالی برخلاف حقیقت است. این عبارت، ظهور در وجود دو شخص دارد: کسی که اعمال را نسبت داده و شخصی که اعمال به او نسبت داده شده است (منتسب‌الیه). اما در دیپ‌فیک چنین اتفاقی نمی‌افتد. بلکه خود شخص منتسب‌الیه، با صدا و تصویر خودش مطالبی را بیان کرده است؛ در حالی که در عالم حقیقت، چنین کاری نکرده است. مثلاً فیلمی با فناوری دیپ‌فیک ساخته می‌شود که شخص اظهار می‌دارد، از نامزدی در انتخابات به علّت بیماری انصراف داده است، در صورتی که این موضوع دروغ و برخلاف حقیقت است. عنصر مادی رفتار مذکور، تولید چنین صدا یا تصویری است و نمی‌توان این اقدامات را «نسبت‌دادن» نامید.

### ۳.۲. افترا

افترا یعنی نسبت‌دادن رفتار مجرمانه به دیگری، در مادهٔ ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۸۸) پیش‌بینی شده است. در مادهٔ یادشده عبارت: «یا به هر وسیله دیگر» ذکر شده است که احتمال قابلیت انطباق بر دیپ‌فیک با محتوای افترا به دیگری وجود دارد. مثلاً در فیلمی شخصی را در

۱. مادهٔ یاد شده جرم نشر اکاذیب رایانه‌ای را بدین شرح پیش‌بینی نموده است: « هر کس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به‌وسیله سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی اکاذیبی را منتشر نماید یا در دسترس دیگران قرار دهد یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت، رأساً یا به عنوان نقل قول، به شخص حقیقی یا حقوقی به طور صریح یا تلویحی نسبت دهد، اعم از این‌که از طریق یاد شده به نحوی از انحا ضرر مادی یا معنوی به دیگری وارد شود یا نشود، افزون بر اعاده حیثیت (در صورت امکان)، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد و پنجاه میلیون (۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

حال ارتکاب جرایمی مانند سرقت یا قتل نشان دهد. در مادهٔ یادشده آمده است: «به کسی امری را صریحاً نسبت دهد».

در دیپ‌فیک صراحت لفظی وجود ندارد. بلکه نوعی صراحت مفهومی مشاهده می‌شود. بدین توضیح که با شنیدن صدا یا مشاهدهٔ تصویر، مخاطب باور می‌کند که شخص صاحب صدا یا تصویر مرتکب جرم شده است. رویهٔ قضایی، صراحت مفهومی را در تحقق جرم افترا پذیرفته است. در یکی از آرای صادره آمده است: «متّهم طی یک برگ نامهٔ عادی خطاب به شاکی که همسر خویش می‌باشد، امور غیراخلاقی را نسبت داده که فاقد صراحت لفظی می‌باشد، اما دارای صراحت مفهومی در انتساب بزه منافی عفت به شاکی است».[1]

درخصوص جرایم رایانه‌ای، استناد به مادهٔ ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵)، خلاف اصل تفسیر مضیّق قوانین کیفری است. در قانون جرایم رایانه‌ای نیز درخصوص افترا خلأ قانونی وجود دارد. هرچند با توجّه به عبارت: «هر وسیله دیگر» در مادهٔ ۶۹۷ مذکور، امکان استناد قضات به این ماده در دیپ‌فیک وجود دارد.

همچنین ممکن است از مصادیق افترای عملی دانسته شود. افترای عملی در مادهٔ ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) پیش‌بینی شده است. مادهٔ یادشده درمورد امور واقعی است و امکان استناد به آن درمورد نرم‌افزارهای دیپ‌فیک وجود ندارد؛ زیرا در این ماده آمده است: «آلات و ادوات جرم یا اشیایی را ... در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست، بگذارد...» مصادیق مذکور را نمی‌توان بر دیپ‌فیک منطبق دانست.

در شرایط کنونی، حقوق‌دانان در تلاش‌اند که دیپ‌فیک‌های بزهکارانه را بر جرایم شناخته‌شدهٔ رایانه‌ای تطبیق دهند. در بریتانیا، هنوز قانون مستقلّی برای دیپ‌فیک‌ها وضع نشده است.[2] مثلاً ممکن است از مصادیق افترا تشخیص داده شود. در این صورت امکان تطبیق با قانون افترا[3] مصوّب ۲۰۱۳ وجود دارد. «در بریتانیا، قوانین حفاظت از داده‌ها، از جمله قانون حفاظت از داده‌ها، از جمله (۲۰۱۸) یا مقرّرات عمومی حفاظت از داده‌ها (۲۰۱۶) درمورد دیپ‌فیک‌ها اعمال می‌شود.

---

۱. دادنامهٔ شمارهٔ ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۲۰۱۱۳۸ مورّخ ۱۳۹۳/۸/۱۷، شعبهٔ ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، به نقل از: ***مجموعهٔ آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)***، مرکز مطبوعات و انتشارات قوهٔ قضاییه، چاپ اوّل، پاییز ۱۳۹۳، تاریخ انتشار ۱۳۹۷.

2. Kelsey, Ibid, p. 2.
3. Defamation, Act 2013.

«قانون افترای انگلستان در سال ۲۰۱۳ معیار جدید دیگری را اضافه نمود که مطابق آن یک اظهارنظر افتراآمیز نخواهد بود؛ مگر آنکه انتشار آن باعث ورود یک آسیب جدی و یا احتمالاً سبب حدوث ضرر جدی به شهرت شخصی شود».[1]

مفهوم یادشده تا حدودی منطبق بر مفهوم نشر اکاذیب در حقوق ایران است. در حقوق انگلستان، در صورتی که دیپ‌فیک دروغ موجب ورود ضرر به دیگری شود، ممکن است از مصادیق افترا دانسته شود.

### ۳.۳. هتک حیثیت

مادهٔ ۷۴۴ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۸۸)، موضوع تغییر یا تحریف فیلم، صوت یا تصاویر دیگری را در صورتی که عرفاً موجب هتک حیثیت افراد شود، جرم‌انگاری نموده است. در تبصرهٔ مادهٔ یادشده آمده است: «چنانچه تغییر یا تحریف به صورت مستهجن باشد، مرتکب به حداکثر هر دو مجازات مقرّر محکوم خواهد شد». تغییر و تحریف را نمی‌توان از مصادیق دیپ‌فیک دانست. در تغییر و تحریف، صوت یا فیلم اصلی وجود دارد که در آن تغییر یا تحریف صورت می‌پذیرد. فناوری دیپ‌فیک از تصاویر اصلی ساخته می‌شود، لذا، مصداق تولید است نه تغییر و تحریف. به همین دلیل نمی‌توان آن را منطبق بر مادهٔ یادشده و تبصرهٔ آن دانست. بدین توضیح که تحریف و تغییر در مقابل تولید و ساختن به‌کار می‌رود. در تغییر و تحریف، صوت یا تصویری تولید نمی‌شود. بلکه در یک محتوای اصیل اعم از صوت و تصویر، تغییر و تحریفی برخلاف واقع صورت می‌پذیرد. مثلاً با تقطیع و مونتاژ، صوت یا تصویر یا حذف و الحاق، صوت و تصویری تغییر می‌یابد و تحریف می‌گردد.[2] تغییر و تحریف بخشی از صنعت سینماست، مانند صحنه‌های بدلکاری در فیلم‌های اکشن یا میکس و مونتاژ در فیلم‌های علمی و تخیّلی. ضمن اینکه تغییر و تحریفی وصف بزهکارانه دارد که موجب هتک حیثیت برخلاف رضایت افراد شود.

---

۱. شرقی، مرضیه و پرویز عامری، **مسئولیّت مدنی ناشی از افتراء در نظام حقوقی کامن‌لا با رویکرد تطبیقی در حقوق ایران**، مجلهٔ پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دورهٔ ۲۳، تابستان ۱۳۹۸، شمارهٔ ۲، ص ۶۶.
«افترا در کشورهای تابع نظام حقوقی کامن‌لا به انتشار اظهارات نادرستی اطلاق می‌شود که شهرت شخص را هدف قرار می‌دهند و بر اساس شاخص‌های نظریه رسوایی و دوری مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند. مطابق با معیار نخست اظهارات منتشر شده، باعث تنزل موقعیّت مخاطب در نظر اشخاص متعارف جامعه می‌شوند...»؛ به نقل از همان، ص ۶۱.

۲. برای آگاهی بیشتر در ارتباط با مفهوم تغییر و تحریف رک: شیری، عباس، پیشین، صص ۱۶۵ – ۱۶۸.

در دیپ‌فیک، صوت یا تصویر با استفاده از فناوری هوش مصنوعی تولید و ساخته می‌شود. لذا از مصادیق تغییر یا تحریف محسوب نمی‌شود. بخش دوم مادهٔ یادشده نیز انتشار محتویات تحریف یافته است که شامل دیپ‌فیک نمی‌شود؛ زیرا فناوری دیپ‌فیک، فقط شامل تولید و ساختن محتوا است و ارتباطی با انتشار ندارد. انتشار، جرمی مستقل از تولید و ساختن است.

### ۳.٤. مقایسهٔ دیپ‌فیک با جعل رایانه‌ای[۱]

نرم‌افزار دیپ، از مصادیق نوشته یا سند یا اشیا، موضوع مادهٔ ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) نیست و تحت هیچ عنوان بر آن منطبق نمی‌شود. لذا باید مواد قانونی مستقل در ارتباط با جعل رایانه‌ای، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

داده‌پیام در جعل رایانه‌ای، جزء اساسی رکن مادی جرم است. بر اساس بند الف مادهٔ ۲ قانون تجارت الکترونیک (۱۳۸۲/۱۰/۱۷) «داده پیام[۲] هر نمادی از واقعه، اطلاعات یا مفهوم است که با وسایل الکترونیک، نوری و یا فناوری جدید اطلاعات تولید، ارسال، دریافت، ذخیره یا پردازش می‌شوند». طبق مادهٔ ۶۸ قانون یادشده و مادهٔ ۷۳۴ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۸۸) جعل داده‌پیام پیش‌بینی شده است. بر اساس مادهٔ مذکور، می‌توان جعل رایانه‌ای را بدین شرح تعریف نمود: «ایجاد یا تغییر داده‌های قابل استناد یا ایجاد یا واردکردن متقلّبانهٔ داده به آنها یا تغییر داده‌ها یا علایم موجود در کارت‌های حافظه یا قابل‌پردازش در سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا تراشه‌ها یا ایجاد یا واردکردن متقلّبانه داده‌ها یا علایم به آنها به قصد تقلّب به گونه‌ای که قابلیّت اضرار به دیگری ایجاد نماید».[۳]

دیپ‌فیک از مصادیق تولید و ساختن است، لذا احتمال انطباق آن بر واژهٔ «ایجاد» مستلزم بررسی است.

---

۱. جعل رایانه‌ای در مادهٔ ۶۸ قانون تجارت الکترونیکی (۱۳۸۲) و مادهٔ ۷۳۴ و ۷۳۵ قانون مجازات اسلامی (الحاقی مصوب ۱۳۸۸/۳/۵) پیش‌بینی شده است. در همین ارتباط، مادهٔ ۱۳۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلّح (مصوب ۱۳۸۲) تغییر و تحریف در سیستم رایانه و نرم‌افزار توسط نظامیان را پیش‌بینی نموده است. حدود اعتبار هرکدام از مواد قانونی مذکور و ارتباط آنها با یکدیگر، مستلزم بررسی است. برای بحث بیشتر در این باره رک: شیری، عباس، ***جعل و تزویر***، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۴۰۱، صص ۲۹۸ – ۳۰۳.

2. Data Message

۳. شیری، عباس، پیشین، ص ۲۹۸.

رکن دیگر جعل رایانه‌ای طبق مادهٔ اخیرالذکر «متقلّبانه» بودن به معنای قلب و دگرگونی است. در انتهای ماده ۶۸ قانون تجارت الکترونیک (۱۳۸۲) عبارت: «به عنوان داده‌پیام‌های معتبر» به کار رفته است. یعنی مرتکب داده‌پیام‌های غیرمعتبر را با اقدامات متقلّبانه به‌جای پیام معتبر، قلمداد می‌نماید. جزء سوم تحقق جعل رایانه‌ای، قابلیّت اضرار به دیگری است. در انتهای مادهٔ یادشده تصریح شده است: « ... اقدام به جعل داده‌پیام‌های دارای ارزش مالی و اثباتی نماید تا با ارائهٔ آن به مراجع اداری، قضایی، مالی و غیره به عنوان « داده‌پیام»های معتبر استفاده نماید». بنابراین در صورتی که داده‌پیام فاقد قابلیت استناد یعنی ارزش اثباتی باشد، جعل محقق نخواهد شد. در بند الف مادهٔ ۷۳۴ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۸۸) نیز به: «ایجاد داده‌های قابل‌استناد» تصریح شده است.

در دیپ‌فیک باورپذیری بالایی وجود دارد. در تحقق عناصر سه‌گانهٔ مذکور در دیپ‌فیک، احتمال انطباق با جعل رایانه‌ای وفق مواد قانونی مذکور وجود دارد. فقط مصداق «ایجاد» در جعل رایانه‌ای احتمال انطباق با دیپ‌فیک را دارد. منظور از ایجاد، همان ساختن و تولیدکردن به صورت متقلّبانه است. از نظر تحقق عنصر مادی یک اشکال جدی وجود دارد و آن اینکه داده‌های موردنیاز در فناوری دیپ‌فیک، یعنی صدا و تصویر قبلی، واقعی است و به صورت فیزیکی و غیرمجازی است که در نرم‌افزار قرار می‌گیرد؛ در حالی که جعل رایانه‌ای تغییر یا ایجاد داده‌های قابل‌استناد است، به‌گونه‌ای که صدا و تصاویر واقعی را نمی‌توان از مصادیق داده[1] دانست. مگر اینکه با تفسیر موسع مواد قانونی مربوطه استدلال کرد؛ چون با استفاده از نرم‌افزارهای دیپ‌فیک، داده جدید تولیدشده، اشکال در تطبیق آن وجود ندارد. البته چنین تفسیری خلاف اصول حقوق کیفری و تفسیر مضیّق قوانین کیفری است. هرچند احتمالاً رویهٔ قضایی در آینده چنین تفسیری را به رسمیّت خواهد شناخت.

### ۳.۵. سوءاستفاده از اسرار خصوصی، حرفه‌ای یا امنیّتی

ممکن است دیپ‌فیک، با استفاده از تصاویر خصوصی و اسرار شخصی، حرفه‌ای و امنیّتی تولید شود. بدیهی است دسترسی غیرمجاز به داده‌ها یا سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، مستقلاً طبق مادهٔ ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۸۸) جرم‌انگاری شده است. همچنین ممکن

1. Data Message

است منطبق بر جرایم موضوع مواد ۷۳۱ تا ۷۳۳ قانون یادشده باشد. ولی تولید محتوای جدید، براساس این داده‌ها، منطبق بر مواد قانونی مذکور با سایر قوانین مرتبط نیست.

## ٤. سایر جرایم مرتبط با دیپ‌فیک

بعد از تولید و ساختن دیپ‌فیک، جرایم دیگری، مانند توزیع، پخش، انتشار، تکثیر، خرید و فروش، صادرات و واردات، نگهداری، تبلیغ و سایر مصادیقی که دربارهٔ محتوای صوت و تصاویر مبتذل، مستهجن و هرزه‌نگارانه در قوانین مربوطه یا اسناد بین‌المللی، قابل‌بررسی است.

عنصر مادی مصادیق مذکور درمورد محتوای تولیدشده با استفاده از نرم‌افزار دیپ‌فیک، در بیشتر موارد محقق می‌شود. مثلاً ویدئویی که با استفاده از فناوری هوش مصنوعی تولید شده است، در فضای مجازی انتشار یابد، یا فردی اقدام به فروش آن نماید یا اقدام به نگهداری آنها نماید.[۱] در این خصوص مادهٔ ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۸۸) قابل استناد است؛ زیرا در مادهٔ یادشده عبارت «محتویات مستهجن» آمده است. این جرم صرف‌نظر از تولید، واقعی‌بودن یا غیرواقعی محتویات، شامل مرتکب می‌شود. طبق تبصرهٔ یک مادهٔ یادشده، جرم مذکور شامل محتویات مبتذل نیز می‌شود.

همچنین مجازات مرتکبان اعمال پیش‌بینی شده در مادهٔ یادشده براساس تبصرهٔ ۴ تشدید می‌گردد که شامل دیپ‌فیک نیز می‌شود. این مصادیق در بندهای بعدی به تفکیک مورد بحث قرار می‌گیرد:

### ٤.١. نگهداری دیپ‌فیک با محتوای مبتذل و مستهجن

درخصوص نگهداری محتوای مبتذل و مستهجن که به‌وسیلهٔ فناوری دیپ‌فیک تولید شده است، می‌توان از وحدت ملاک به کار رفته در رأی وحدت رویه شمارهٔ ۶۴۵ استفاده نمود. رویّهٔ قضایی درخصوص نگهداری فیلم‌ها یا محتوای مبتذل و مستهجن، دچار تشتت‌آرا بوده است. برخی محاکم صرف نگهداری را جرم تلقی نموده (دادنامهٔ شمارهٔ ۵۰۹، مورّخ ۱۳۷۷/۶/۱۲) و برخی دیگر به دلیل عدم تصریح قانونی، آن را فاقد وصف مجرمانه دانسته‌اند (دادنامهٔ شمارهٔ

۱. برای آگاهی دربارهٔ انواع جرایم مرتبط با هرزه‌نگاری رک: حبیب‌زاده، محمدجعفر و حامد رحمانیان، **هرزه‌نگاری در حقوق کیفری ایران،** مجلهٔ حقوقی دادگستری، سال ۷۵، زمستان ۱۳۹۰، شمارهٔ ۷۶، صص ۹۸ – ۱۰۲.

۱۵۱، مورّخ ۱۳۷۷/۲/۳۰). درنهایت هیئت عمومی دیوان عالی کشور، در این خصوص اقدام به اصدار رأی بدین شرح نمود:

«نظر به اینکه بر طبق ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) که به موجب ماده ۷۲۹ همان قانون کلیّه مقرّرات مغـایر بـا آن ملغـی شـده، نگهـداری، طرح، نقاشی، نوار سینما و ویدئو یا به طور کلی هر چیزی که عفت و اخلاق عمـومی را جریحه‌دار نماید. در صورتی که به منظور تجارت و توزیع باشد جرم محسوب مـی‌شـود. بنابراین صرف نگهداری وسائل مزبور در صورتی که تعداد آن معد برای امـر تجـاری و توزیع نباشد، از شمول ماده۶۴۰ قانون مذکور خارج بوده و فاقد جنبهٔ جزایی است.»[1]

مبنای رأی وحدت رویهٔ مذکور، قانون نحوهٔ مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیّت‌های غیرمجاز می‌نمایند (مصوّب ۱۳۷۲)، بوده است که متعاقباً به موجب قانون نحوهٔ مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیّت‌های غیر مجاز می‌نمایند، مصوّب (۱۳۸۶)[2] نسخ شده است.

در قانون اخیر نیز نگهداری مستقلاً جرم‌انگاری نشده است. ضمن اینکه، با توجّه به عنوان قانون، نمی‌توان مفاد این قانون را دربارهٔ تمام افراد پذیرفت. این قانون مرتبط با کسانی است که شغل آنها امور سمعی و بصری است و در آن حوزه فعالیّت می‌نمایند. سایر اشخاص کماکان بر اساس مادهٔ ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) یا مادهٔ ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۸۸) قابل مجازات هستند. در مادهٔ ۶۴۰ مذکور، نگهداری به قصد تجارت یا توزیع جرم‌انگاری شده است. بدین‌ترتیب نگهداری صوت یا فیلم تولیدشده به وسیلهٔ فناوری دیپ‌فیک جرم نیست.

---

۱. رأی وحدت رویهٔ شمارهٔ ۶۴۵، مورّخ ۱۳۷۸/۹/۲۳.

۲. دیپ‌فیک فناوری هوش مصنوعی است، در حالی که قانون نحوهٔ مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالّیت‌های غیرمجاز می‌نمایند (مصوّب ۱۳۸۶)، درمورد، اقدامات مرتبط با صوت و تصویر در فضای واقعی است. بدین ترتیب از نظر عنصر مادی، دیپ‌فیک منطبق بر قانون یادشده نمی‌باشد. ممکن است در این زمینه به مادهٔ ۱۰ قانون مذکور استناد شود. مادهٔ مذکور مقرّر می‌دارد: « انتشار آثار مستهجن و مبتذل از طریق ارتباطات الکترونیکی و سایت‌های کامپیوتری یا وسیله و تکنیک دیگر از مصادیق تکثیر و انتشار محسوب و مرتکب حسب مورد به مجازات مقرّر در این قانون محکوم می‌شود».

عنصر مادی مادهٔ مذکور ناظر به انتشار و پخش آثار مستهجن و مبتذل در بستر مبادلات الکترونیک است و ارتباطی با تولید از طریق فناوری هوش مصنوعی ندارد. ولی بعد از تولید دیپ‌فیک، انتشار و توزیع مانند سایر آثار مستهجن موجب تحقّق عنصر مادی است.

فقط در مواردی که رفتار مرتکب با سوءنیّت خاص همراه باشد، یعنی با قصد تجارت، توزیع یا افساد نگهداری صورت گیرد، واجد وصف مجرمانه خواهد بود.

### ٤.٢. احتمال انطباق دیپ‌فیک جنسی به‌عنوان افساد

یکی از جرایم مرتبط با صدا و تصاویر مبتذل، مستهجن و هرزه‌نگارانه، افسادفی‌الارض است که در مادهٔ ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) پیش‌بینی شده است: «هرکس به طور گسترده ... سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسدفی‌الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد».

ضوابط دقیقی درخصوص این جرم وجود ندارد؛ به همین دلیل رویّه قضایی با نفسیر موسّع مادهٔ قانونی مذکور، امکان تطبیق هر رفتاری را با عنوان افسادفی‌الارض فراهم ساخته است.

در تبصرهٔ مادهٔ ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۸۸) نیز آمده است: « چنانچه مرتکب اعمال مذکور در این ماده را حرفهٔ خود قرار داده باشد، یا به طور سازمان‌یافته مرتکب شود، چنانچه مفسدفی‌الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرّر در این ماده محکوم خواهد شد».

بدین ترتیب، قانون‌گذار با رویکرد سخت‌گیرانهٔ کیفری، در مواردی جرایم مرتبط با محتویات مستهجن یا مبتذل را مشمول عنوان افسادفی‌الارض دانسته است. درخصوص دیپ‌فیک نیز در صورتی که از مصادیق مواد یادشده دانسته شود، احتمال انطباق بر عنوان مفسدفی‌الارض وجود دارد.[۱]

## ۵. چالش‌های دیپ‌فیک‌های مجرمانه

دیپ‌فیک هنوز از نظر حقوقی، ناشناخته است و قوانین جزایی، صراحتاً آن را جرم‌انگاری نکرده‌اند. در سایر کشورها نیز خلأ جدّی قانونی درخصوص دیپ‌های خلاف اخلاق و عفت عمومی، اخبار دروغین یا با محتوایی که به حیثیت افراد حقیقی و حقوقی لطمه وارد نماید، وجود دارد. می‌توان ادعا کرد که آگاهی لازم به دیپ‌فیک مجرمانه خلاف اخلاق و عفت عمومی، جهت جرم‌انگاری به ویژه در ایران، وجود ندارد.[۲]

---

۱. در خصوص نقد و تحلیل جرم افساد فی‌الارض رک: شیری، عباس، «درس‌گفتار حقوق جزای اختصاصی، دورهٔ کارشناسی ارشد تحت عنوان محاربه، بغی و افساد فی‌الارض»، نیم سال اوّل سال تحصیلی ۱۴۰۲ـ۱۴۰۱، دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران. قابل‌دسترس در کانال تلگرام: https://t.me//drabbasshiri

۲. برای بحث در این باره رک:

Mania, Karolina: Legal Protection of Revenge and DeepFake Porn Victims in the Europen Union: Finding from a Comparative Legal Study.
https://doi.org/10.1177/15248380221143772/

از نظر دادرسی و ادلهٔ اثبات جرم نیز امکان اثبات جعلی بودن فیلم‌های ساختگی دشوار است. شناسایی ابعاد دیپ‌فیک و جرم‌انگاری‌های مستقل در این خصوص ضروری است. هرچند نباید این جرم‌انگاری مانع از گسترش هوش مصنوعی و استفاده از آن و نقض حقوق بنیادین بشر شود. زمانی که دیپ‌فیک با استفاده از صوت یا تصویر محدودی ساخته می‌شود، امکان تشخیص غیرواقعی‌بودن دیپ‌فیک دشوار نیست. ولی وقتی با استفاده از تصاویر متعدّد، فیلمی ساخته می‌شود، تشخیص غیرواقعی‌بودن فیلم سخت و شاید غیرممکن باشد که این موضوع از چالش‌های مهم دیپ‌فیک است. به‌ویژه درمورد افراد مشهور، نظیر سلبریتی‌ها یا شخصیت‌های سیاسی که هزاران ویدئو از آنها وجود دارد، به‌راحتی از طریق فناوری دیپ‌فیک می‌توان هر نوع تصویر جدیدی با استفاده از این منبع عظیم به صورت غیرواقعی تولید کرد.

ادلهٔ سنتی اثبات جرم، کاربردی در دیپ‌فیک ندارد یا حداقل کاربرد کمی دارد. دیپ‌فیک مرزهای اثبات جرم در جرایم رایانه‌ای را جابه‌جا خواهد کرد. فرید[1] معتقد است: «با ریزبینی در مواردی چون پیکسل‌های تصویر و سعی در یافتن ایرادهای جزئی آن، با موشکافی در روند گردش خون در صورت شخصیّت‌ها گاه می‌توان به واقعی یا جعلی‌بودن فیلم واقف شد. به‌رغم این موارد، فرید معتقد است، هوش مصنوعی در کمترین زمان متصور، مرز این علایم و نشانه‌ها را نیز در می‌نوردد و روند شناسایی دیپ‌فیک‌ها، همچون رابطهٔ موش و گربه در کارتون «تام و جری» بین الگوریتم‌های هوش مصنوعی و خبرگان تشخیص فیلم‌های جعلی به شکستی نافرجام دچار می‌شود».[2]

۱. هانی فرید (Hany Farid) کارشناس حوزهٔ دیجیتال در دانشگاه برکلی کالیفرنیا.

2. www.Latimes.com/business/technology La_fi-tn-fake-videos-20180219-story. html.

به نقل از: فلسفی، سید غلام‌رضا، « **دیپ فیک» تیغی در کف زنگیان مست**، نشریهٔ رشد آموزش علوم اجتماعی، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۸۲، ص ۵۶.

## نتیجه‌گیری

حقوق کیفری تاکنون واکنش متناسب با فناوری دیپ‌فیک، ماهیت، آثار و گونه‌های مجرمانهٔ آن نشان نداده است. این انفعال به دلیل بدیع و ناشناخته‌بودن این فناوری در قلمروی علم حقوق است. بزهکاران همواره روش‌های نوینی را ابداع می‌کنند و سال‌ها بعد نظام عدالت کیفری، موفق به شناسایی این روش‌ها و راه مقابله با آن می‌شود. دیپ‌فیک در مخدوش‌کردن مرز واقعیت و دروغ موفق بوده است. شاید پیشرفت‌های اعجاب‌آور هوش مصنوعی، در آینده مرز بین واقعیت و دروغ را به‌طور کامل از بین ببرد. قوانین موجود در کشورها با دیپ‌فیک از نظر تحقق عنصر مادی، مطابقت ندارد. از طرفی نمی‌توان آثار ویرانگر دیپ‌فیک مجرمانه را، به‌ویژه در تولید فیلم‌های مستهجن و هرزه‌نگاری، نادیده گرفت. از طرفی نمی‌توان با تفسیر موسع قوانین کیفری، اصول بنیادین حقوق کیفری را مخدوش ساخت. لذا ضروری است که در اصلاحات قوانین مرتبط با جرایم رایانه‌ای، مستقلاً فصل مستقلّی به جرم‌انگاری در حوزهٔ دیپ‌فیک‌ها پرداخت.

درخصوص اخبار دروغین دیپ‌فیک‌ها، موضوع مستلزم بررسی دقیق‌تری است. مثلاً در خصوص اخبار دروغین نباید جرم‌انگاری به‌گونه‌ای صورت پذیرد که مانعی در جهت آزادی رسانه‌ها و گردش اطلاعات ایجاد نماید. جرم‌انگاری دیپ‌فیک باید متناسب با اسناد بین‌المللی مربوطه صورت گیرد. نمی‌توان به‌طور مطلق و بدون ملاحظات حقوق بشری در این ارتباط اقدام نمود. همچنین، رعایت حریم خصوصی افراد، یک اصل مهم در ملاحظات حقوق بشری است. لذا ممکن است فردی بخواهد با استفاده از نرم‌افزارهای دیپ‌فیک، با استفاده از تصاویر و فیلم‌های خود، فیلم‌هایی تولید کند. بدیهی است، تولید این‌گونه فیلم‌ها، حتّی اگر حاوی تصاویر مبتذل و مستهجن باشد، تا زمانی که انتشار نیافته و در اختیار دیگران قرار نگرفته باشد، فاقد وصف مجرمانه است. ضمن اینکه شناسایی حقوق بزه‌دیدگان، به ویژه کودکان و زنان، به هنگام جرم‌انگاری دیپ‌فیک‌ها ضروری است. درخصوص دیپ‌فیک‌های تجاری که به اعتبار و حیثیت تجاری اشخاص حقیقی و حقوقی لطمه وارد می‌آورد، افزون بر جرم‌انگاری‌های جدید، مسئولیّت مدنی تولیدکنندگان نیز باید مورد توجّه قرار گیرد.[1]

---

۱. لازم می‌دانم که از استاد محترم، جناب آقای دکتر نجفی ابرندآبادی، که متن مقاله را مطالعه و موارد مهمی را اصلاح کردند، سپاسگزاری نمایم. همچنین از اساتید ارجمند جناب آقای دکتر غلامی، دکتر ابراهیمی و دکتر نیازپور به سبب نظرات اصلاحی ارزشمند آنان تشکر می‌نمایم.

## فهرست منابع

### الف) فارسی

**کتاب**


۱. ابوذری، مهرنوش، ***حقوق و هوش مصنوعی***، نشر میزان، چاپ اوّل، ۱۴۰۰.

۲. بابایی، جواد، ***جرایم رایانه‌ای و آیین دادرسی حاکم بر آن***، مرکز مطبوعات و انتشارات قوۀ قضاییه، چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۷.

۳. جیشانکار، کی، ***جرم‌شناسی فضای مجازی، کشف جرایم اینترنتی و رفتار مجرمانه***، ترجمه دکتر حمیدرضا ملک‌محمدی، نشر میزان، چاپ اوّل، ۱۳۹۴.

۴. شیری، عباس، ***جعل و تزویر***، نشر میزان، چاپ سوم، ۱۴۰۱.

۵. ***مجموعۀ آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)***، مرکز مطبوعات و انتشارات قوۀ قضاییه، چاپ اوّل، پاییز ۱۳۹۳، تاریخ انتشار: ۱۳۹۷.

۶. میر محمد صادقی، حسین، ***جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص***، نشر میزان، چاپ چهارم، ۱۴۰۱.


**مقاله**


۷. تقی‌پور، علی‌رضا و مرتضی زرینه، **پاسخ کیفری در قبال هرزه‌نگاری سایبری در اسناد بین‌المللی و قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸**، مجلۀ حقوقی دادگستری، سال هشتاد و یکم، پاییز ۱۳۶۹، شمارۀ ۹۹، صص ۵۹ – ۸۳.

۸. حبیب‌زاده، محمدجعفر و حامد رحمانیان، **هرزه‌نگاری در حقوق کیفری ایران**، مجلۀ حقوقی دادگستری، دورۀ ۷۵، دی ۱۳۹۰، شمارۀ ۷۶، صص ۸۹ – ۱۲۱.

۹. سلطانی‌فر، محمد، مریم سلیمی و سید غلامرضا فلسفی، **اخبار جعلی و مهارت‌های مقابله با آن**، نشریه رسانه، سال بیست و هشتم، شمارۀ ۳، صص ۴۳ تا ۶۹.

۱۰. شرفی، مرضیه و پرویز عامری، **مسئولیّت مدنی ناشی از افتراء در نظام حقوقی کامن‌لا با رویکرد تطبیقی در حقوق ایران**، نشریۀ پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دورۀ ۲۳، تابستان ۱۳۹۸، شمارۀ ۲، ص ۵۷.

۱۱. ابن علی، آرش، **جرم‌انگاری دیپ‌فیک‌ها از منظر تعهدات حقوق بشری دولت‌ها**، مجلهٔ تحقیقات حقوق قضایی، دورهٔ دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شمارهٔ ۳، صص ۳۵۵ – ۳۸۴.

۱۲. فلسفی، سید غلامرضا، «**دیپ‌فیک» تیغی در کف زنگیان مست**»: نشریه رشد آموزش علوم اجتماعی، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۸۲، صص ۵۵ – ۶۰.

۱۳. نوری، سید مسعود، **پروتکل الحاقی به پیمان‌نامهٔ حقوق کودک دربارهٔ فروش، فحشاء و هرزه‌نگاری کودکان و بررسی الحاق ایران به آن**، دو فصلنامهٔ بین‌المللی حقوق بشر، دانشگاه مفید، دورهٔ ۲، خرداد ماه ۱۳۸۶، شمارهٔ یک، شماره پیاپی ۳، صص ۳۹– ۵۶.

**ب) منابع انگلیسی**

**Articles**

14. Convention of Cybercrime, COUNCIL of EUROPE, European Treaty Series-no. 185, Budapest, 23 XI 2001.
15. Explanatory Report to the Convention on Cybercrime, CONCIL OF EUROPE, European Treaty Series-No. 185.
16. Farish, Kelsey: The legal implications and challenges of deepfakes, 2020, http://DACBEACHCHCROFT
17. Mania, Karolina: Legal Protection of Revenge and DeepFake Porn Victims in the Europen Union: Finding from a Comparative Legal Study. OPTIONAL PROTOCOL TO THE CONVENTION ON THE RIGHTS OF THE CHILD ON THE SALE OF CHILDREN, CHILD PROSTITUTION AND CHILD PORNOGRAPHY.

**Sites**

18. FackCheck.org/
19. Unicef.org/
20. SciCheck-FackCheck.org/
21. Zoomit.ir/
22. http://yon.ir/dwcCo/
23. https://doi.org/10.1177/15248380221143772